

بررسی منابع و پژوهش‌های مربوط به تاریخ سربداران

محمد عبدالملکی^۱

شیوا دودانگه^۲

چکیده

جنبش شیعی سربداران در قرن هشتم هجری قمری، پس از صد و بیست سال چیرگی قوم تاتار و مغول بر ایران و بسیاری از مناطق آسیا، جنبشی مردمی در باشتین و سبزوار خراسان بود که علیه ستم و تعدی فرمانروایان مغول و عاملان آنان رخ داد. این قیام در تاریخ ایران کم نظیر است، زیرا نخستین نهضت تمام شیعی پس از ورود اسلام به ایران بود و همچنین این قیام راه را برای قیام‌های شیعی دیگر و تثبیت نمودن مذهب شیعه در ایران هموار کرد. با توجه به اهمیت تاریخ سربداران از این حیث بررسی منابع و پژوهش‌های مربوط به تاریخ این حکومت امری ضروری است. منابع کهنی که ما در رابطه با سربداران داریم، بیشتر نسخ خطی و کهن تاریخی هستند و چاپ نشده‌اند و این خواه ناخواه استفاده و دسترسی به این کتب را برای همگان سخت می‌کند و برخی دیگر از این کتاب‌های کهن که به چاپ رسیده‌اند اما متنشان احتیاج به بازنویسی دوباره دارد که متأسفانه این کار نیز انجام نشده است. مشکل دیگر این است که متأسفانه بسیاری از منابعی که ما در حوزه سربداران می‌توانیم به آن‌ها استناد کنیم، منابع غربی هستند که بیشتر این کتب نیز در تحلیل‌های خود از این حرکت، راه را به اشتباه رفته‌اند و نتوانسته‌اند حقیقت وجودی این قیام را نشان دهند. بیشتر این منابع، قیام سربداران را صرفاً در حوزه‌های اقتصادی تحلیل و بررسی کرده‌اند. از میان منابع دست اول می‌توان به جغرافیای حافظ ابرو، تاریخ طبرستان مرعشی، جلد اول سفرنامه ابن بطوطه، مجمل

۱. دانشگاه تهران

۲. دانشگاه تهران

فصیحی و روضه‌الصفای میرخواند و... اشاره کرد. پژوهش‌های جدیدی نیز از جمله عروج و خروج سربداران، نوشته اسمیت، قیام شیعی سربداران نوشته آژند، تاریخ تشیع نوشته رسول جعفریان و ... انجام شده که در این مقاله به تحلیل و بررسی این منابع و پژوهش‌ها پرداخته می‌شود.

واژگان کلیدی: تاریخ سربداران، تاریخ‌نگاری، منابع دست اول، پژوهش‌های جدید، تحلیل منابع.

مقدمه :

شناخت منابع و مآخذ در علوم انسانی به ویژه تاریخ یکی از راهکارهای اساسی در جهت فهم بهتر موضوعات است. شناخت منابع از سویی و تحلیل منابع از سوی دیگر نگرشی جامع و مانع از پژوهش مورد نظر به دست می‌دهد. یکی از اصول مهم پژوهش‌های تاریخی؛ شناخت منابع موضوع پژوهش، دسته‌بندی آنها و میزان مورد اعتماد بودن منابع دست اول می‌باشد. در بررسی‌های تاریخی صرفاً به منبعی از آن جهت که دست اول است نمی‌توان اعتماد نمود، بلکه بایستی شرایط اجتماعی سیاسی عصر مؤلف، محیط پیرامونی مؤلف، چگونگی کسب اطلاعات مدرج در کتاب و... را مد نظر قرار داد. شناخت، بررسی و تحلیل متون تاریخی یکی از روش‌های بسیار خوبی است که در جهت علمی‌تر شدن پژوهش‌های یک مورخ بسیار می‌تواند مثمر ثمر واقع شود. یکی از اولیه‌ترین کارها در تحقیقات تاریخی شناخت منابع است و تا زمانی این کار صورت نگیرد پرداختن به دیگر مراحل تحقیق از جمله فیش برداری و دسته‌بندی موضوعات و تحلیل جامع آنها امکان پذیر نمی‌باشد. حساسیت شناخت منابع در رشته تاریخ و به ویژه تاریخ اسلام و ایران که همواره گروهی به تخریب گروه دیگر کوشیده‌اند امری بسیار ضروری است. فارغ از منابع دسته اول در تحقیقات تاریخی، توجه به پژوهش‌های جدید نیز یکی دیگر از بایسته‌هاست. گاهی تحلیل و یا مذاقه‌ای از پژوهشگری تاریخی در عصر حاضر می‌تواند دریچه‌ی بسیار خوبی را برای فهم بهتر یک عصر یا یک پدیده تاریخی فراهم سازد. البته کینه‌توزی‌ها، کج فهمی‌ها و بدخواهی‌ها که از روحیه علمی به دور است، متأسفانه در برخی پژوهش‌های جدید نمود پیدا کرده است که شناخت این تحقیقات جهت‌دار نیز می‌تواند کمک شایانی را به ما در عدم تکیه بر آنها در پژوهش‌های تاریخی بکند. حکومت سربداران که یکی از دوره‌های

مهم تاریخ ایران محسوب می‌شود بنا به دلایل فراوانی مورد اهمیت بسیاری است. بروز مذهب تشیع و مبارزه با ظلم و ستم در عرصه جامعه از این رهیافت یکی از دلایل بسیار مهم پرداختن به این مقطع تاریخی مهم می‌باشد که تأثیر خود را در دوره‌های پس از خود گذاشت. بنابراین برای شناخت هرچه بهتر حکومت سربداران ناگزیر از شناخت منابع دست اول و پژوهش‌های جدید در این خصوص هستیم. در این مقاله که به دو بخش منابع دست اول حکومت سربداران و پژوهش‌های جدید تقسیم شده است، سعی در چنین نیازی برای پرداختن هر چه روشن‌تر و شفاف‌تر به این دوره مهم شده است.

منابع و پژوهش‌های مربوط به تاریخ سربداران را می‌توان به دو بخش تقسیم نمود:

الف: منابع دسته اول:

۱- **سفرنامه ابن بطوطه:** سفرنامه‌ی ابن بطوطه ابوعبدالله محمد بن عبدالله بن محمد بن ابراهیم بن یوسف طنجی (۷۷۹-۷۰۳ق) یکی از آثار بسیار خوب در زمینه شناخت اقوام، ملل، ادیان و مذاهب مختلف نقاط جهان اسلام است. وی در سفرنامه خود به تفصیل به بیان شرح حال و خلاصه مسافرت‌ها و سیاحت‌های خود پرداخته است. سفرنامه ابن بطوطه یکی از منابع دست اول تاریخ سربداران می‌تواند باشد که به صورت مختصری به ذکر ماجرای سربداران و نحوه‌ی شکل‌گیری این گروه و جنگ‌های متعدد آنان با طغا تیمور و نائیش ارغون شاه را بیان می‌کند. ضعف این منبع این است که به تفصیل از سربداران و جنگ مذکور صحبت نمی‌کند و بسیار خلاصه و گذرا به ذکر تاریخ سربداران پرداخته است (ابن بطوطه، ۱۳۷۰: ۴۶۶-۴۶۴). ابن بطوطه با اینکه سنی مذهب است و به نفع آل کرت سوگیری دارد ولی در بعضی از قسمت‌ها مجبور از ابراز واقعیت شده است. مطالب او در باره صداقت و راست کرداری پیروان شیخ حسن اهمیت زیادی دارد. توصیف او از روابط سربداران و آل کرت و طغاتی‌مور هم ارزشمند است. تاریخی که او برای جنگ زاوه داده اشتباه است (همان: ۴۳۶-۴۳۴).

۲- **تذکره الشعرا:** امیردولت شاهین علاءالدوله بختیشاه الغازی السمرقندی نویسنده این اثر است که آن را در سال ۸۹۶ هـ ق تألیف نموده است (سمرقندی، ۱۳۳۸: ۲۵۷-۲۱۷). زمانی که دولت‌شاه تاریخ سربداران خود را می‌نوشت تاریخ سربداران از بین رفته بود چرا که

خود او در آغاز مطلبش می‌گوید که: «چون تاریخ سربداران از حوزه ضبط مورخان بیرون رفته» (همان: ۲۰۷) با این وصف دولتشاه توانسته مطالبی از آن را بدست آورد و در کتابش بگنجاند. او به دلیل از بین رفتن اطلاعات سربداران، یک کتاب شعرو شاعری را به تاریخ آنها اختصاص داده است. دولتشاه وقایع را تا شکست درویش عزیز به دست علی مؤید و کشتار درویشان پی گرفته سپس مطالبی راجع به حکومت علی مؤید عنوان کرده است. اثر وی فاقد اطلاعات مربوط به دوره‌های ۵۷۶۵-۷۸۲ است. با این همه کتاب دولتشاه در بعضی قسمت‌ها دارای مطالبی است که اثر میرخواند فاقد آن است. مثلاً مساله بناسازی شمس‌الدین علی و نیز ارزیابی او از سلطنت علی مؤید و کارهای او، که ارزیابی جالبی است (همان: ۲۱۲-۲۱۶). مطالب دولتشاه درباره سربداران به وضوح همان مطالبی است که در اثر میرخواند هم آمده است. دولتشاه مطالب مجزایی هم در قسمت دیگر کتابش راجع به کشته شدن طغایمور دارد که با مطالب حافظ ابرو و میرخواند تطبیق می‌کند (همان: ۱۷۸).

۳- تاریخ طبرستان و رویان و مازندران: ظهیرالدین مرعشی که این اثر را در نیمه قرن نهم تألیف کرده است مطالب یک دست و مفصلی راجع به لشکر کشی امیر وجیه‌الدین مسعود به مازندران و قتل او در آنجا ذکر کرده که در سایر منابع دیده نمی‌شود (مرعشی، ۱۱۲: ۱۸۵۰-۱۰۲). او در این اثر مطالبی را هم در مورد اوایل کار سربداران بیان می‌کند. مرعشی قیام سربداران را به صورت یورش خراسانیان مظلوم علیه سیاست‌های ظالمانه اقتصادی علاءالدین محمد و امرای ترک نژاد مطرح کرده است (همان: ۱۰۳-۱۰۲). برداشت و دیدگاه مرعشی در مطالب خود راجع به سربداران یک برداشت ویژه است که در سایر منابع دیده نمی‌شود.

۴- عجائب المقدور فی نوائب التیمور: تألیف ابن عربشاه است که در سال ۸۴۰ هجری نگارش در آمده است (ابن عربشاه، ۱۳۵۶: ۳۱-۲۸). مطلب عربشاه در خصوص سربداران مربوط به ایام متقدم تیمور و آمدن او به خراسان و تسلیم خواجه علی مؤید در مقابل او است. اطلاعاتی که ابن عربشاه در این زمینه عرضه می‌کند در هیچ منبعی ارائه نشده است. بنابراین این منبع در خصوص سربداران خالی از ارزش تاریخی نیست، خصوصاً اطلاعات جالبی در زمینه تسلیم خواجه علی مؤید به امیر تیمور دارد.

۵- **مجمل فصیحی:** فصیح‌الدین احمد خوافی نویسنده تاریخ مجمل التواریخ است که به مجمل فصیحی معروف است. مطالب این اثر که یک تاریخ عمومی است و بیشتر به صورت سالشمارانه عرضه شده، در تاریخ ۸۴۵ هـ پایان می‌پذیرد. فصیحی مطالب خود را درخصوص تاریخ سربداران به اختصار بیان کرده و آنها را سال به سال عرضه نموده است. وی از چگونگی ظهور جنبش سربداران سخنی نگفته و آن را مختصراً یاد آوری نموده است. او نسبت به سایر مورخین، سالشماری مفصلی راجع به وقایع عرضه کرده و این یکی از محاسن اثر او است. مهم‌ترین منبع او یعنی «تاریخ سربداران» گم شده است، چرا که اولاً گزارش او یک به یک با گزارش میرخواند تطبیق می‌کند؛ ثانیاً مثل دولت‌شاه راجع به سازمان درویشان صحبت زیادی نکرده است؛ ثالثاً مطالب فصیحی در مورد قتل شمس‌الدین علی دقیقاً با مطالب میرخواند تطابق دارد و این می‌رساند که هر دو از یک منبع استفاده کرده‌اند (خوافی، ۱۳۳۹: ۸۴). به عنوان نمونه خوافی در جلد سوم از اثر خویش به تعدادی از وقایع از تاریخ سربداران اشاره نموده که از جمله آنها اینکه در ذیل وقایع سال ۷۷۲ هـ. «به قتل درویش امیر کمال‌الدین و درویش محمد هندو که ایشان بوقت قتل درویش عزیز جوری پیش ملک غیاث‌الدین پیرعلی کرت آمدند، خواجه علی مؤید قصد ایشان داشت...» (همان: ۹۶۷). و یا در سال ۷۸۱ هـ. اشاره دارد به «گرفتن امیر ولی سبزوار را و دادن به خواجه نجم‌الدین علی مؤید که پیشتر والی سبزوار بود و او را بیرون کرده بودند و او التجا بامیرولی برده بود و امیرولی و سبزوار را جهت او مستخلص کرد و بدو داد» (همان: ۹۷۸). و از این دست وقایع را مؤلف در اثرش بسیار بیان نموده که در طی سالهایی چون ۷۸۳ هـ، ۷۸۸ هـ، ... به توضیح آنها پرداخته است.

۶- **روضه الصفا:** تألیف میرخواند که در هفت مجلد است یک تاریخ عمومی است. بخش مربوط به سربداران که با عنوان «خروج و عروج سربداران و تسلط ایشان بر بعضی از دیار خراسان» مشخص شده در جلد پنجم آن آمده است (میرخواند، بی‌تا: ۶۲۵-۶۰۰). مطالب میرخواند در خصوص تاریخ سربداران از مطالب زیر تشکیل شده است:

- ۱- بحثی درباره آغاز جنبش سربداران
- ۲- قضیه قریه باشتین با دو روایت مختلف
- ۳- وقایع دوره امیر عبدالرزاق و قتل او و حکومت امیر و جیه‌الدین مسعود
- ۴- ذکر شیخ خلیفه و ارادت شیخ حسن به او

۵- رهایی شیخ حسن از زندان توسط مسعود

۶- نامه شیخ حسن به محمد بیک

۷- صحبت درباره نهایت کار وجیه‌الدین و جلوس محمدای تیمور

۸- ذکر حکومت کلو اسفندیار سربدار

۹- صحبت درباره حکومت امیرشمس‌الدین سربدار و نیز خواجه شمس‌الدین علی سربدار

۱۰- ذکر حکومت خواجه یحیی کراوی و ظهیرالدین کراوی و حیدر قصاب

۱۱- بحثی درباره حکومت خواجه علی مؤید به اتفاق درویش عزیز جوری.

۷- **زبده التواریخ** : تاریخ عظیم حافظ ابرو به نام مجمع التواریخ در چهار جلد است که

بنا به دستور بایسنقر پسر شاهرخ تیموری تألیف یافته و به نام او نیز معروف است. این اثر به شیوه سالشمارانه تألیف شده است و از دو قسمت تشکیل شده است: قسمت اول در واقع مکمل ظفر نامه شامی است و قسمت دوم شرح سلطنت شاهرخ تا سال ۸۳۰ه است و این بخش هم در حقیقت قسمت پسین مجموعه بشمار می‌آید که به صورت سالشمارانه است. مطالب و مواد حافظ ابرو در کتابش راجع به سربداران نسبت به منابع دیگر او ترمیم و تکمیل شده است. مطالب مربوط به وقایع اوایل تاریخ سربداران همه و همه بدون تغییر از مجموعه اقتباس شده است. ولی زبده التواریخ حافظ ابرو راجع به دوره ۷۵۹-۷۴۵ه حاوی مطالب و موادی است که در آثار دیگر حافظ ابرو دیده نمی‌شود، و گویا این اطلاعات، مطالب جدیدی است که حافظ ابرو در تألیف «زبده التواریخ» از آنها استفاده کرده است. این اطلاعات به صورت مختصر تحت عناوین سالانه مرتب شده و شامل خلع و جلوس و مرگ حکام سربداری و توضیح مختصر در باره آنها است.

۸- **جغرافیای حافظ ابرو** : این اثر در سال ۸۲۳ه تألیف یافته و در آن علاوه بر

بررسی جغرافیایی قسمت‌های شرق اسلامی، بحثی هم در خصوص تاریخ خراسان آمده است. حافظ ابرو در قسمت تاریخی جغرافیای خود صحبتی هم در باره طغا تیمور خان، آل کرت، سربداران، جانی قربان و غیره دارد. عنوان تاریخ سربداران جغرافیای او «ذکر خروج سربداران و ابتدای حکومت و دولت آنها» نام دارد. او در این قسمت بحث مفصلی دارد راجع به اوایل سربداران؛ زندگی شیخ خلیفه و شهادت وی؛ شیخ حسن جوری و تعالیم او و نامه وی به محمد بیک و خروج امیر عبدالرزاق سربدار و جنگ او با علی گاون برادر طغا تیمور خان وشکست علی

گاون و کشته شدن او و جنگ زاوه بین سربداران و آل کرت و شهادت شیخ حسن جوری و کشته شدن طغاتی‌مور خان به دست سربداران در روزگار یحیی کرابی و نیز صحبتی در باره علی مؤید و اختلاف او با خواجه غیاث‌الدین پیر علی کرت در میحث مربوط به آل کرت این‌ها مطالبی است که حافظ ابرو در جغرافیای خود راجع به سربداران آورده یعنی حافظ ابرو در واقع تمام مطالب مجموعه خود را تقریباً به صورت یک کاسه در جغرافیای خود آورده که عبارات آن جز در چند جا طبق النعل تکرار شده است (جغرافیای حافظ ابرو، جغرافیا خطی کتابخانه ملک تهران).

(ب) منابع دسته دوم :

۱- **تاریخ حبیب السیر**: تاریخ حبیب السیر تألیف غیاث‌الدین بن همادالدین الحسین خواندمیر (۹۴۲-۸۸۰) یکی از مهم‌ترین منابع در تاریخ ایران و به ویژه در دوره تیموریان است که وقایع را تا سال ۹۳۰ ق بیان می‌نماید. مؤلف در جلد سوم از اثر خویش به بیان سلسله‌های مغول و تیموری تا اوایل عهد صفوی اختصاص داده است. در ذیل بیان وقایع این دوران به ذکر تواریخ حکومت‌های محلی اقدام می‌نماید که شامل تاریخ جنبش سربداران نیز می‌گردد و نگارنده در اثرش به بیان وقایعی هم چون محاربه امیر شیخ علی کاون با امیر مسعود سربدار و کشته شدن شیخ علی در معرکه پیکار و انجام روزگار امیر مسعود در ولایت رستمدر می‌پردازد. وقایع دیگری چون توجه امیر وجیه‌الدین مسعود به عزم تسخیر هرات و گرفتار شدن شیخ حسن به معظم‌ترین آفات و بلیات (خواندمیر، ۱۳۸۰: ۳۶۰) مورد تأکید این مورخ است. وی همچنین احوال شیخ حسن جوری و نجات او از زاویه مهجوری و احوال امیر وجیه‌الدین مسعود را بیان می‌نماید (همان: ۳۵۸). می‌توان گفت که این اثر به خوبی به بیان وقایع دوران سربداران در قسمت‌های گوناگون و به فراخور حوادث می‌پردازد.

۲- **مجمع الانساب شبانکاره ای**: تألیف محمد بن علی بن محمد شبانکاره‌ای (۷۳۶-۶۹۷ ق) است که از جمله آثار نگاشته شده در زمینه‌ی تاریخ عمومی است که حوادث ایران را تا دوران مغول در بر می‌گیرد. مؤلف در مورد تاریخ سربداران در اثر خویش به بیان حوادثی هم چون ذکر وزرای خراسان و اعقاب ایشان که به دست سربداران به قتل رسیدند می‌پردازد

(شبانکاره‌ای، ۱۳۶۳: ۳۲۶). وی همچنین به توضیح سرداران ولایت بی‌هق که همان سربداران و شیخ حسن جوری و اتباع او بودند می‌پردازد (همان: ۳۴۹-۳۴۷).

۳- **روضات الجنات فی اوصاف مدینه الہرات**: تألیف معین‌الدین محمد اسفزاری که

تاریخ هرات را تا سال ۸۷۵ هجری بیان می‌کند و آن را طی ۲۶ روزه فصل‌بندی می‌نماید و از حوادث دوران سربداران به وقایعی چون ولادت امیر تیمور و آغاز جنبش سربداران اشاره می‌کند. در چمن اول از روزه هشتم حوادثی مانند محاربه‌ی امیر وجیه‌الدین مسعود سربدار و شیخ حسن جوری با ملک معزالدین حسین و کشته شدن شیخ حسن را بیان می‌کند (اسفزاری، ۱۳۳۸: ۵۶-۵۳). مؤلف در اثرش صحبت زیادی از سربداران به میان نمی‌آورد و به بیان حوادث محدودی از این حکومت بسنده می‌کند.

۴- **مطلع السعدین و مجمع البحرین**: عبدالرزاق سمرقندی نویسنده این اثر است که

مطالب آن با نام ابوسعید تیموری حامی نویسنده پایان می‌پذیرد و وقایع آن تا سال ۸۳۰ هـ ق را شامل می‌گردد. این کتاب در دو مجلد است. مجلد اول وقایع سالهای ۸۰۷-۷۰۴ هـ ق را در بر می‌گیرد. مجلد دوم وقایع سالهای ۸۷۵-۸۰۷ هـ را شامل می‌شود. منظور نظر ما در اینجا مجلد اول است که عبدالرزاق سمرقندی بیشترین مطالب آن را از زبده التواریخ حافظ ابرو اقتباس کرده است. اطلاعات او در خصوص سربداران همان اطلاعاتی است که به صورت سالشمارانه در زبده التواریخ آمده است. مورخین بعدی گاهی اوقات برای ترتیب مطالبشان راجع به سربداران از او سود جسته‌اند.

۵- **تاریخ جهان‌آرا**: قاضی احمد غفاری قزوینی مؤلف تاریخ جهان‌آرا و تاریخ نگارستان

است. وی تاریخ جهان‌آرای خود را در سال ۹۷۲ هـ تألیف کرده و در آن مطالبی را در خصوص سربداران در حرف چهارم در ملوک سربداران بیان می‌کند (غفاری، ۱۳۴۳: ۲۲۱-۲۱۹). او در کتاب تاریخ نگارستان نیز که در سال ۹۵۹ هـ تألیف نموده مطالبی در زمینه سربداران و رهبران مذهبی آنها عرضه کرده است.

ج) منابع عمومی :

۱- **ظفرنامه شرف‌الدین یزدی**: ظفرنامه شرف‌الدین علی یزدی (۸۵۱-۷۹۰ق) که به

ظفر نامه تیموری هم معروف است، حاوی احوال تاریخی خانواده‌ی تیمور و فتوحات امیر تیمور

می‌باشد. مؤلف در اثرش به درگیری محمود تارابی از سربداران که برعلیه مغولان خروج کرد سخن می‌راند (یزدی، ۱۳۸۷: ۲۹۱). به شکست سربداران از ملک حسین حاکم کُرت در هرات که از حوادث سال ۷۴۲ بوده و منجر به کشته شدن شیخ حسن جوری گردیده نیز سخن می‌گوید (همان: ۲۹۳).

۲- جهان‌نامه: تألیف محمدبن نجم بکران است. این اثر جغرافیایی اطلاعات ارزشمندی در باره اعلام جغرافیایی دوران سربداران دارد. اطلاعات این اثر در خصوص مناطق و اقوام و شهرهای این عهد از اهمیت زیادی برخوردار است چرا که سایر منابع فاقد این اطلاعات هستند. این کتاب در زمانی تألیف یافته که مغولان در سرزمین‌های شرقی جهان اسلام جایگزین شده و برای خود اردو و الوس و یورت تشکیل داده بودند.

۳- جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی: نوشته گی لسترنج نیز از منابع معتبر جغرافیایی است که با استفاده از سایر منابع آن را تألیف کرده است و اطلاعات ارزشمندی در زمینه مسائل جغرافیایی این عهد دارد. با مراجعه به این اثر می‌توان شمایی از اوضاع جغرافیایی این عصر و روابط شهرها و وضع راهها و ارتباطات ترسیم کرد.

۴- نزهة القلوب: تألیف حمد الله مستوفی است که یکی از آثار با ارزش در خصوص دوره مورد بحث است. این اثر علاوه بر مطالب جغرافیایی اطلاعات تاریخی خوبی در رابطه با سربداران دارد که برای پژوهشگران این دوره می‌تواند بسیار مفید باشد.

۵- تاریخ ادبیات ایران: تألیف ادوارد براون است که در فصل چهارم با عنوان دوره تیموری در قسمت مربوط به دودمان‌هایی که به دست تیمور منقرض شدند بعد از شرح و بسط دو سلسله آل مظفر و آل جلایر به توضیح درباره سربداران در سبزواری و ملوک کُرت می‌پردازد. به دلیل نزدیکی زمانی موجود در بین این دو حکومت آنها را در دنباله‌ی هم بیان می‌کند. وی سلاله‌ی سربداران را از زبان «استانلی لین پول» بیان می‌کند و فقط به خلاصه‌ای از تاریخ سیاسی سربداران بسنده می‌کند (براون، ۱۳۳۹: ۷۳۶-۷۳۵) و در پایان به توضیحی درباره نابودی سربداران به دست تیمور می‌پردازد.

۶- تاریخ مغول: تألیف عباس اقبال آشتیانی است که در اثر خویش به توضیح فاصله‌ی ۲۰ ساله‌ای که بین مرگ ابو سعید بهادر خان تا نابودی آخرین نامزد ایلخانی است می‌پردازد و

اشاره‌ای هم به تشکیل پنج سلسه در نقاط مختلف ایران دارد. سپس درباره ظهور و سقوط سربداران صحبت می‌کند (آشتیانی، ۱۳۶۵: ۳۶۶). در قسمت‌های مختلف اطلاعاتی درباره دوره مورد بحث بیان می‌کند؛ سربداران، طغاتی‌مورد، تشکیل سربداران، امرای سربداری و اتفاقات گوناگون در زمان هریک و توأمان با این حوادث وقایع مربوط به سلاطین تیموری موضوعاتی است که در این منبع بدانها اشاره شده است (همان: ۴۷۸-۴۶۵). این اثر از منابع مهمی است که در زمینه سربداران و تاریخ سیاسی آنها حائز اهمیت می‌باشد.

۷- منتخب التواریخ: اثر معین‌الدین نطنزی نیز از جمله آثاری است که مطالبی در رابطه با تاریخ آل مظفر دارد. در این کتاب که در سال ۸۱۷ هـ.ق تألیف شده اطلاعات مجملی در خصوص افراد سلسله آل مظفر دارد. این اثر مواد بسیار جالبی در باره سربداران سمرقند ارائه می‌دهد که برای بررسی موضوع مورد پژوهش از اهمیت زیادی برخوردار است. این اثر همچنین مطالبی هم راجع به طغا تیمور دارد که بسیار جالب توجه می‌باشد.

۸- تاریخ آل جلایر: تألیف شیرین بیانی است که در آن به بررسی سلسله آل جلایر از زوایایی چون تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی می‌پردازد و از لابه لای مجموع اطلاعاتی که مؤلف درباره این سلسه ارائه می‌دهد می‌توان به اطلاعات جزئی درباره دوره مورد مطالعه هم هرچند به صورت محدود دست یافت.

۹- تاریخ آل مظفر: تألیف دکتر حسینقلی ستوده که در دو جلد به نگارش در آمده است. مؤلف در این اثر تاریخ آل مظفر را به صورت تفضیلی نسبت به سایر سلسله‌های مجاور بررسی کرده است و بحث بسیار مفیدی را هم در باره اوضاع اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی این سلسله‌ها اختصاص داده است.

(د) تحقیقات جدید :

۱- تاریخ جنبش سربداران و دیگر جنبش‌های ایرانیان در قرن هشتم: تألیف عبدالرفیع حقیقت از زمره تألیفات جدیدی است که در مورد قیام سربداران به نگارش در آمده است. وی این اثر را از زمان استیلای مغولان بر ایران آغاز نموده و سپس به تبیین اوضاع ایران در آن برهه زمانی می‌پردازد و قیام‌های آشکاری را هم که بر ضد ایلخانان به وجود آمده را بیان

می‌کند. (حقیقت، ۱۳۶۳: ۹۱-۹۲) سپس اطلاعاتی بدین شرح در اختیار خواننده قرار می‌دهد: زمینه‌های جنبش و فضای فکری حاکم بر آن و کانون‌های اولیه آن و رهبران مذهبی قیام و اوضاع سیاسی هریک از امرا که هر یک را به طور کامل شرح و بسط می‌دهد (همان: ۲۳۱-۱۴۷). این اثر از جمله آثاری است که اطلاعات ذی‌قیمتی درباره این قیام به پژوهشگران ارائه می‌دهد.

۲- تاریخ راقم: تألیف میر سید شریف راقم سمرقندی است که وقایع عمده تاریخ و سال وفات عده بسیاری از سلاطین و امرا و بزرگان را از سال ۳۶۷ تا سال ۱۰۵۴هـ شامل می‌شود که در سال ۱۱۱۳هـ تألیف شده است و در این کتاب وقایع تاریخی به ترتیب سنواتی آمده است. مؤلف قسمتی را به ذکر جماعت سربداران و مکان ایجاد این جنبش اختصاص داده (راقم، ۱۳۸۰: ۸-۹) است و به طور مجمل در بخش‌های دیگر به بیان جلوس هر یک از امرای سربداران و تاریخ فوت آنها اشاره می‌کند. این اثر به صورت اجمالی اطلاعات ضروری و اساسی در مورد این جنبش را به خواننده منتقل می‌کند (همان: ۱۱-۱۲).

۳- شهید اول، فقیه سربداران: تألیف محمد حسن امانی است که در ضمن معرفی شهید اول و اینکه او همان محمد است که لقب شهید اول گرفته به ذکر این نکته می‌پردازد که نگارنده فقیه سربداران نیز بوده است. در قسمت جایگاه شهید در دمشق اشاره‌ای به سربداران و نوع ارتباط شهید اول با آنها و ارتباط خاصی را که خواجه علی مؤید از آخرین امرای سربدار با وی داشته را توضیح می‌دهد (همان، ۹۱-۹۰).

۴- تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا قرن دهم هجری: تألیف رسول جعفریان است که آغاز تشیع در ایران و حکومت‌های تشکیل شده و مذاهب هریک از آنها را بیان می‌کند. در فصل هشتم که به قرن هشتم هم آن را اختصاص داده تحت عنوان «تشیع در ایران» بعد از صحبت درباره حکومت ایلخانان و مذهب آنها، در مورد فضای موجود در جامعه که منجر به ایجاد جنبش سربداران گردید و هسته اولیه آن و تاریخ حکمرانی هر یک از امرا و ارتباط آنها با شهید اول را بیان می‌کند. وی مذهب سربداران و جریان‌های سیاسی سربدار و جریان دیگری هم با نام «شیخیان» را در فضای فکری سربداران مطرح می‌کند (جعفریان، ۱۳۷۵: ۶۸۰). همچنین به ذکر سکه‌های ایجاد شده در زمان امرای سربداران می‌پردازد (همان: ۶۸۲). این اثر

از جمله منابع مهمی درباره قیام سربداران است که اطلاعات بسیار گسترده و جزئی را از این سلسله در اختیار مخاطب قرار می‌دهد.

۵- قیام شیعی سربداران: این اثر که تألیف یعقوب آزند است از جمله تحقیقات جدید

پیرامون قیام سربداران است که دارای اطلاعات گسترده و تخصصی در باره این سلسله است و هر یک از عناوین را طی یک فصل جدا گانه بیان می‌کند. ابتدا از اوضاع سیاسی، مذهبی و اجتماعی ایران مقارن قیام سربداران صحبت می‌کند (آزند، ۱۳۶۳: ۱۵) و فصل بعدی راه رهبران مذهبی قیام اختصاص داده و هریک را به طور مفصل شرح و بسط داده است (همان: ۷۱). سپس در بخش دوم و در طی فصول بعدی در مورد قیام سربداران سمرقند صحبت می‌کند (همان: ۲۱۷). وی از دیگر قیام‌های آن زمان که مصادف با این دوره بودند هم صحبت می‌کند. در واقع این اثر از آثار بسیار جامع در این زمینه است که این قیام را به صورت شفاف و کامل بیان می‌کند.

۶- نهضت سربداران خراسان: تألیف «ایلیا پاولوویچ پتروشفسکی» است. مؤلف از

ابتدایی‌ترین بحث که همان زمینه‌های ایجاد یک جریان یا جنبش باشد را مورد بررسی قرار می‌دهد و به معرفی زمینه‌های این قیام می‌پردازد (پتروشفسکی، ۳۵۱: ۴۲-۳۱). سپس کانون اصلی آن یعنی شهر بیهق را مورد ارزیابی قرار می‌دهد و همچنین اشاره‌ای هم به سبزوآر دارد که به عنوان دژی برای قیام تازه ظهور سربداران بوده است (همان، ۵۲-۴۳). در فصل‌های بعدی به بیان اولین گام‌های دولت سربداران در خراسان اشاره می‌کند (همان: ۵۷-۵۲). به مواردی از تاریخ سربداران هم چون پیدایش دو جریان در میان سربداران، وضعیت سربداران بعد از مرگ و جیه‌الدین و وضعیت آنها در بعد از سقوط سلاله هلاکوئیان می‌پردازد (همان: ۷۷). مؤلف حتی از شدت مبارزات موجود در میان خود سربداران غفلت نورزیده و مطالبی را درباره آن هم بیان می‌کند (همان: ۸۶). در پایان کتاب از انقراض سربداران و انعکاس این موقعیت بر دیگر شهرها از جمله مازندران و گیلان و کرمان هم صحبت می‌کند.

۷- خروج و عروج سربداران: تألیف «جان ماسون اسمیت» است که از دیدگاه غربی

نگارش یافته و از دو بخش تشکیل شده: بخش مربوط به منابع و مآخذ و بخش مربوط به تاریخ سربداران. تحلیل منابع و مآخذ سربداران از اهم قسمت‌های این کتاب است. نویسنده در خلال تحلیل منابع به سکه‌های عصر سربداران نیز پرداخته و از آنها به عنوان یک ماده خام تاریخی

سود جسته است و همین مسأله تازگی‌هایی به اثر او بخشیده است. قسمت مربوط به تاریخ سربداران که به چندین قسمت تقسیم شده به صورت تحلیلی عرضه گردیده است. در آخر کتاب بخشی هم دارد راجع به مسایل مختلف جغرافیایی و زبان شناسی این عهد و نیز ضمیمه‌ای در خصوص سکه‌های این دوره که بخش پر محتوایی است. این کتاب هم با اینکه از نظر تحلیل و کاربرد منابع و اینکه نویسنده سعی کرده تا حدی به ماهیت مذهبی قیام پی ببرد، اهمیت دارد ولی در نهایت با بینش غربی نوشته شده و لذا نویسنده با همه تلاشش نتوانسته بر عمق این قیام دست یابد (اسمیت، خروج و عروج سربداران: ۱۳۶).

۸- تفحصی در تاریخ سربداران خراسان و مازندران : تألیف سید محمد علی

شهرستانی است. این اثر در مجموع به دو فصل تقسیم گردیده و هر فصل را به یکی از شاخه‌های سربداران اختصاص داده و فصل اول را به سربداران خراسان، شیخ خلیفه، ریاست‌طلبان، خروج عبدالرزاق، سلطنت امیر وجیه‌الدین مسعود سربدار، اتحاد اندیشمندان و سلطنت‌طلبان، تاریخ سیاسی سربداران و جنگ‌ها و حکمرانی هریک از امرا و شاعر سربدار و مواردی دیگر را بیان می‌کند. (شهرستانی، ۱۳۷۵: ۱۰۷-۱۷) سپس فصل بعدی رابه سربداران مازندران و شکل‌گیری آنها و تاریخ سیاسی آن را بیان می‌کند و به‌طور مفصل به بیان زوایای این شاخه از سربداران می‌پردازد.

۹- کشاورزی و مناسبات ارضی ایران در عهد مغول: مؤلف این اثر «ایلیاپاو لوویچ

پتروشفسکی» است که این اثر در دو مجلد به چاپ رسیده و در جلد دوم درباره سربداران به توضیح پرداخته اما این اثر مؤلف گویی با آثار دیگرش در این زمینه تفاوتی ندارد و بدون کم و کاستی همان اطلاعات را ارائه نموده است. از جمله اثر وی که دارای شباهت زیاد با این کتاب است می‌توان به نهضت سربداران خراسان اشاره کرد. ولی به هر حال به صورت موشکافانه و گسترده، دقیق به توضیح دوره مورد بحث می‌پردازد.

نتیجه‌گیری :

از آنجا که یکی از اولیه‌ترین اصول پژوهش‌های تاریخی شناخت منابع و پژوهش‌های مربوط به موضوع مورد تحقیق است، این مقاله در راستای این مهم گام برداشته است. مرحله‌ی

بعد از شناخت منابع، بررسی و تحلیل همه منابع و تحقیقات گردآوری شده است که در روش تحقیق می‌تواند کمک شایانی به محقق نماید. تاریخ سربداران که یک نهضت مذهبی و اجتماعی مهم سده هشتم هجری است ابعاد سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، مذهبی، عقیدتی، نظامی و حکومتی فراوانی دارد. طبیعی است که این شاخه‌های مختلف در تاریخ سربداران در منابع تاریخی از هم تفکیک نشده و پراکنده اند. این مسأله برای پژوهشگری که بخواهد در یک جنبه از این نهضت مهم تحقیق کند مشکل بزرگی است. بنابراین به دست دادن شناخت منابع و مأخذ و پژوهش‌های مربوط به سربداران در قالب یک مقاله علمی امری ضروری بود.

منابع دست اول، منابع دست دوم، منابع عمومی و تحقیقات جدید به طور کلی همه آن منابعی است که درباره تاریخ سربداران در این مقاله آمده است. نگارنده با تفکیک این منابع و معرفی و تحلیل هر منبع به طور خاص دریچه جدیدی را فرا روی مطالعات تاریخی مربوط به سربداران ایجاد کرده است.

منابع

۱. ابن بطوطه، ابوعبدالله، (۱۳۷۰) **سفرنامه ابن بطوطه**، مترجم (محمدعلی مؤحد)، جلد ۱، تهران، انتشارات آگاه.
۲. ابن عربشاه، (۱۳۵۶) **زندگی شگفت‌آور تیمور**، ترجمه (محمد علی نجاتی)، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۳. اسفزاری، معین‌الدین محمد زمچی، (۱۳۳۸) **روضات الجنات فی اوصاف مدینه الهرات**، تصحیح (سید محمد کاظم امام) تهران، دانشگاه تهران.
۴. اسمیت، جان ماسون، (۱۳۶۱) **خروج و عروج سربداران**، ترجمه (یعقوب آژند)، تهران، انتشارات مرکز فرهنگی علامه طباطبایی.
۵. اقبال آشتیانی، عباس، (۱۳۶۵) **تاریخ مغول**، تهران، امیرکبیر.
۶. امانی، محمد حسن، (۱۳۷۲) **شهید اول فقیه سربداران**، بی‌جا، سازمان تبلیغات اسلامی.
۷. آژند، یعقوب، (۱۳۶۳) **قیام شیعی سربداران**، تهران، نشر گستره.
۸. براون، ادوارد، (۱۳۳۹) **تاریخ ادبی ایران از نیمه قرن هفتم تا آخر قرن نهم هجری عصر استیلای مغول و تاتار**، ترجمه (علی‌اصغر حکمت)، تهران، کتابخانه ابن سینا.
۹. بکران، محمد بن نجم، (۱۹۶۵) **جهان‌نامه**، اهتمام (برشچفسکی)، مسکو.
۱۰. بیانی، شیرین، (۱۳۴۵) **تاریخ آل جلایر**، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۱. پطروشفسکی، ایلیا پاولوویچ، (۱۳۵۷) **کشاورزی و مناسبات ارضی ایران در عهد مغول**، ترجمه (کریم کشاورز)، جلد دوم، بی‌جا، نیل.
۱۲. پطروشفسکی، ایلیا پاولوویچ، (۱۳۵۱) **نهضت سربداران خراسان**، ترجمه (کریم کشاورز)، بیجا، انتشارات پیام.
۱۳. جعفریان، رسول، (۱۳۷۵) **تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا قرن دهم هجری**، جلد دوم، قم، انصاریانی.
۱۴. حافظ ابرو، زبده‌التواریخ بایسنقری، خطی کتابخانه ملک تهران.

۱۵. حقیقت، عبدالرفیع، (۱۳۶۳) تاریخ جنبش سربداران و دیگر جنبش‌های ایرانیان در قرن هشتم هجری، تهران، انتشارات علمی.
۱۶. خوافی، فصیح احمد بن جلال‌الدین محمد، (۱۳۸۶) مجمل فصیحی، تصحیح (سیدمحسن نصرآبادی)، تهران، اساطیر.
۱۷. خواندمیر، غیاث‌الدین، (۱۳۸۰) حبیب السیر، تصحیح (محمد دبیرسیاقی)، جلد ۳، بی‌جا، انتشارات خیام.
۱۸. دولت‌شاه، امیر علاءالدوله بختیشاه الغازی السمرقندی، (۱۳۳۸) تذکره الشعراء، تهران، بی‌نا.
۱۹. ستوده، حسینقلی، (۱۳۴۷) تاریخ آل مظفر، دو جلد، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۲۰. سمرقندی، عبدالرزاق، (۱۳۶۵) مطلع السعدین و مجمع البحرین، جلد دوم، لاهور، چاپ محمد شفیع.
۲۱. سمرقندی، میرسید شریف، (۱۳۸۰) تاریخ راقم، کوشش (منوچهر ستوده)، تهران، مجموعه انتشارات ادبی و تاریخی موقوفات دکتر محمود افشار یزدی.
۲۲. شبانکاره‌ای، محمد بن علی (۱۳۶۳) مجمع الانساب، تهران، امیر کبیر.
۲۳. شهرستانی، سید محمد علی، (۱۳۷۵) تفحصی در سربداران خراسان و مازندران، تهران، ناشر خود مولف.
۲۴. غفاری، قاضی احمد، (۱۳۳۹) تاریخ جهان آرا، تهران، کتابفروشی حافظ.
۲۵. لسترنج، گی، (۱۳۲۷) جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی، ترجمه (محمود عرفان)، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۲۶. مرعشی، ظهیرالدین، (۱۲۶۶) تاریخ طبرستان و رویان و مازندران، سن پترزبورگ، چاپ دارن (برنهارد).
۲۷. مستوفی، حمدالله، (۱۳۳۱) نزهة القلوب، اهتمام (ادوارد براون)، لیدن، چاپ بریل.
۲۸. میرخواند، (بی‌تا)، روضة الصفا، جلد ۵، تهران، بی‌نا.
۲۹. نطنزی، معین‌الدین، (۱۳۳۶) منتخب التواریخ، تصحیح (ژان اوبن)، تهران، کتابفروشی خیام.
۳۰. یزدی، شرف‌الدین علی، (۱۳۸۷) ظفرنامه، محقق (سیدسعید میرمحمد صادق)، مصحح (عبدالحسین نوائی)، جلد دوم، تهران، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.